

اشاره

آیا ایران باشدیدترین ال نینوی
تاریخ روبرو به روست؟

این روزها از «سویر ال نینوی» به سبب «سخن گفته می شود»
و «ال نینوی» پدیده چیست و آیا ایران چه خواهد کرد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، در روزهای اخیر
ادعاهایی درباره وقوع یک «سویر ال نینوی» به سبب «منشتر
شده پدیده ای که گفته می شود نمونه مشابه آن تاکنون دیده
نشده و شاید ده سال دیگر نیز تکرار نشود» براساس داده ها و
پیش بینی های مراکز معتبر اقلیمی نشان می دهد و «ال نینوی» چه
بسیار مهم و قابل توجه است، با برخی روایات منتشر شده
تفاوت دارد.

روایت سازمان جهانی هواشناسی

ال نینوی یکی از مهم ترین نوسان های طبیعی سامانه اقلیمی زمین
است که با گرم شدن غیرعادی آب های سطحی بخش مرکزی و
شرقی اقیانوس آرام استوایی شکل می گیرد و می تواند الگوهای
دما و بارش را در نقاط مختلف جهان تغییر دهد. آنچه درباره
ال نینوی کنونی اهمیت دارد، شدت احتمالی آن است به گونه ای
که سازمان جهانی هواشناسی آن را در میان تبدیل شدن به یک
رویداد بسیار قوی از زبانی کرده است.

عبارت لغوی آلمانی

با این حال، استفاده از عبارت «هی سابقه ترین ال نینوی تاریخ»
به شرایط فعلی نیازمند احتیاط است. نخست اینکه «سویر
ال نینوی» یک طبقه بندی رسمی و واحد در تمام مراکز علمی
جهان نیست. دوم اینکه قوی ترین ال نینوهای عصر مدرن، از
شده رویدادهای ۱۹۸۲-۱۹۸۳، ۱۹۹۷-۱۹۹۸ و ۲۰۱۵-۱۶، خود در
رده شدیدترین نمونه های ثبت شده قرار دارند و هنوز مشخص
نیست ال نینوی ۲۰۲۶ از نظر همه شاخص های علمی بتواند از
آنها عبور کند.

کارشناسان می گویند باید میان پیش بینی یک رویداد بسیار
شدید و پیش یک رکورد تاریخی تفاوت قائل شد. مدل های
اقلیمی می توانند احتمالات وقوع یک ال نینوی فوق العاده قوی
را با دقت قابل قبولی نشان دهند، اما «تجزیه و تحلیل زمانی قابل
تأیید است که داده های واقعی دوره لوح پدیده ثبت شده باشد.
بنابراین در حال حاضر، ادعای «قوی ترین ال نینوی تاریخ» هنوز
زودهنگام است.

مهمترین ادعای اینکه چنین رویدادی ممکن است «تا صدها
سال دیگر» تکرار نشود، مبتنی بر مدل های علمی محکمی ندارد. ال نینو
بخشی از چرخه طبیعی اقیانوس-جو است و در مقیاس
چندساله رخ می دهد. هر چند فاصله میان رخدادها و شدت آنها
پکسان نیست. آنچه ممکن است بسیار ناگوار باشد، رسیدن یک
رویداد به شدت استثنایی است، نه اصل وقوع ال نینو.

اثرات این پدیده بر ایران

اما اثر احتمالی آن بر ایران چیست؟ ایران مستقیماً در مرکز
اثر ال نینو قرار ندارد، بنابراین نمی توان گفت وقوع یک ال نینوی
بسیار قوی الزاماً به یک نتیجه مشخص برای کل کشور منجر
خواهد شد. با این حال، تغییر الگوهای گردش جو در مقیاس
جهانی می تواند به صورت غیر مستقیم بر خاورمیانه و ایران اثر
بگذارد. از جمله از طریق تغییر در مسیر سامانه های بارشی، دمای
هوا و احتمال رخداد دوره های خشک یا پربارش.

برای ایران، اهمیت موضوع بیشتر در رست و انسان و الگوهای بارش
است. اما رابطه ال نینو با بارندگی ایران قطعی و یک به یک نیست
و آثار آن، به تواند از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت باشد.
بنابراین نمی توان صرفاً بر اساس وقوع ال نینو پیش بینی کرد که
ایران حتمالاً سیل یا بارش یا خشکالی خواهد داشت.

پتانسیل تبدیل شدن به یک اتفاق خاص

در مجموع، و بر اساس نظرات کارشناسان، آنچه اکنون با اطمینان
بیشتری می توان گفت این است که ال نینوی پیش رو پتانسیل
تبدیل شدن به یکی از شدیدترین رویدادهای عصر مدرن را دارد.
اما عبارتهایی مانند «هی سابقه در تاریخ بشر» یا «تکرار نشدن
تا صدها سال آینده» فعلاً فراتر از شواهد علمی موجود هستند.
به بیان ساده، هشدار درباره یک ال نینوی بسیار قوی جدی است،
اما برای قضاوت درباره اینکه آیا واقعاً با یک رکورد تاریخی مواجه
خواهیم شد، باید تا رسیدن این پدیده به اوج و ثبت داده های
نهایی صبر کرد.

هرمز حذف شدنی نیست

اشکار می شود. حتی اگر تمام خطوط لوله فعال
و پروژه های در دست توسعه را کنار هم بگذاریم،
ظرفیت آنها همچنان با حجم تولید انرژی عبوری از
تنگه هرمز فاصله دارد. برخی برآوردهای بازار انرژی
نشان می دهد با تکمیل مجموعه پروژه های جدید
تا پایان دهه جاری، ظرفیت عبور دانه نفت بدون
استفاده از هرمز می تواند به حدود ۱۴ میلیون بشکه
در روز برسد. عدد بزرگی است اما نه به اندازه ای
که هرمز را بی اهمیت کند. در چنین سناریویی نیز
۱۴ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده نفتی همچنان
مسیر جایگزین اقتصادی و عملیاتی مناسبی
نخواهد داشت. کشورهای تولیدکننده نفت و بحری
و بخش بزرگی از صادرات جنوبی عراق نیز همچنان
به این آبراه وابسته خواهند ماند.

گاز قطر: پاشنه آشیل همه سناریوهای
جایگزین

اگر نفت را بتوان تا حدی از طریق خطوط لوله
جایگزین کرد، مازدا درباره گاز طبیعی مایع کلاً
متفاوت است. قطر گاز از بزرگترین صادرکنندگان
LNG جهان است و بخش عمده صادرات گاز مایع
این کشور با کشتی های مخصوص از خلیج فارس
خارج می شود. برای چنین حجمی از LNG، خط
لوله زمینی جایگزینی وجود ندارد که بتواند صادرات
به بازارهای آسیایی و اروپایی را مسدود کند. جایگزین
کند به همین دلیل هر اختلال جدی در هرمز
می تواند علاوه بر بازار نفت جهانی گاز را نیز
مستقیماً در معرض شوک قرار دهد. این موضوع
با افزایش نقش گاز در سبد انرژی جهان و توسعه
احتمالی ظرفیت صادراتی سایر کشورهای منطقه،
می تواند در آینده اهمیت بیشتری به پیدا کند.

هرمز فقط شاهراه نفت نیست

یک اشتباه رایج این است که اهمیت تنگه هرمز
فقط با تعداد بشکه های نفت سنجیده شود.
کشتی هایی که از این آبراه عبور می کنند فقط
نفتکش نیستند. کالاهای پزشکی، مواد اولیه
صنعتی، کود شیمیایی، گوگرد، هلیوم و حرم
بزرگی از تجارت عمومی کشورهای خلیج فارس
نیز از همین مسیر جابه جا می شود. برای چنین
کالاهای، خط لوله آسانس گزینشی نیست. قطر
سهام قابل توجهی بر بازار جهانی هلیوم دارد. مالدی
حیاتی برای تجهیزات پزشکی، صنایع پیشرفته و
تولید نیمه رساناها. کشورهای منطقه همچنین از
صادرات کتان بزرگ، گوگرد، اوره و محصولات
پتروشیمی هستند. انتقال میلیون ها تن از این
کالاهای بدون کشتی عملاً ممکن نیست. به همین
دلیل ممکن است بتوان نفت را تا حدی از هرمز دور
کرد، اما نمی توان اقتصاد منطقه را با یک خط لوله
از دریا جدا کرد.

محمدباقر امیربهری: باوری عضو سابق هیئت علمی
دانشگاه شهید بهشتی

مستشرقان با نفت در شرق اند، خطوط لوله به



بیا هم موج تازه تنش در خلیج فارس، تنگه هرمز
دیده را به یکی از حساس ترین نقاط اقتصاد جهانی
تبدیل می شود. راهی که بخش بزرگی از نفت، گاز
و کالاهای منطقه از آن عبور می کند.

امارات فجیره، برگ برنده خارج از هرمز

اسارات متحده عربی نیز سال هاست روی بندر
فجیره سرمایه گذاری کرده است. فجیره بندری در
ساحل دریای عمان است که در بیرون تنگه هرمز
قرار دارد. خط لوله حیسان - فجیره نفت اوبوسی را
مستقیماً به این بندر منتقل می کند. ظرفیت فعلی
آن حدود ۱.۸ تا ۱.۸ میلیون بشکه در روز برآورد
می شود. هوزمان، پروژه های توسعه ای برای افزایش
ظرفیت انتقال و ذخیره سازی نفت در فجیره در
جریان است. فجیره امروز فقط یک بندر جایگزین
نیست بلکه یکی از مراکز مهم ذخیره سازی و تجارت
فرآورده های نفتی جهان است که ظرفیت مخزن
مستقل آن به بیش از ۱۴ میلیون مترمکعب رسیده
است. اما از آنجایی که کند با توسعه بیشتر خطوط
انتقال، سهم بزرگتری از صادرات نفت خود را بدون
ورود نفتکش ها به تنگه هرمز انجام دهد. اگر این
برنامه ها به ظرفیت های پیش بینی شده برسد،
وابستگی اوبوسی به هرمز به شکل محسوسی
کاهش خواهد یافت. اما باز هم یک نکته باقی
می ماند: کاهش وابستگی یک کشور، به معنای
کاهش اهمیت کل تنگه نیست.

عراق: مسیر شمالی هست، اما کوجک تر از آن
است که نجات بخش باشد

عراق نیز از مسیر خط لوله کرکوک - جبهان به
بندر جبهان ترکیه و دریای مدیترانه دسترسی دارد.
این مسیر در دوره های متوقف بوده و دوباره به مدار
صادرات بازگشته است. ظرفیت عملیاتی فعلی آن
در مقایسه با کل صادرات نفت عراق محدود است.
به ویژه اینکه بخش اصلی تولید این کشور در جنوب
و حوالی بصره قرار دارد و مستقیماً به خلیج فارس
و تنگه هرمز وابسته است. بنابراین حتی فعال بودن
مسیر جبهان هم نمی تواند مشکل اصلی صادرات
عراق را در صورت بروز اختلال گسترده در هرمز
حل کند.

عددها به چه جور در نمی آیند

انجاست که محدودیت پروژه های جایگزین

برخی تندروها می خواهند «دولت مستقر» را «دولت مستعجل» کنند

برخی دولت مستعجل را می خواهند دولت
مستعجل کنند حتی اگر در جنگی به این
عظمت در جایگاه خود خوش درخشیده باشد

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه
جمهوری اسلامی، برای یک جریان «فرع»
چنان جای «صل» را گرفته که در حاشیه هم
جایی برای پرداختن به اصل نیست. چنان که
اگر به اصل توجه بدیم، چشمش به سوت
تو «هوا» خواهد شد که انگار از دین خارج
شده. نمی فهمند یا نمی خواهند بفهمند که
اصل، حفظ کبان ملک و ملت است.

اصل اسلام است اما این چنان در گیر جزئیات
رفتارهای اجتماعی برخی از مردم هستند
که «صل» در مجبوریت قرار گرفته و نادیده

می ماند. مستند به همین جزئیات نیز هر که
چون آنان رفتار نکند را می گویند حتی از
تحریف هم کوتاهی نمی کنند تا راه اتهامزنی
برایشان باز باشد. نتیجه آن هم بزرگتر شدن
جزء از کل» و اصل است.
کیست که نداند امروز اصل، دشمن شناسی
و ایستادن در مرزهای واقعی و برابر باطل
سهیون است اما ایشان بر این اصل شرعی و
عقلی شریده و جناح مقلان را هدف گرفته اند.
و برخی «دولت مستعجل» را می خواهند «دولت
مستعجل» کنند. حتی اگر در جنگی به این
عظمت در جایگاه خود خوش درخشیده باشد.
رفتارهای اجتماعی مورد انتقاد هم اسم رمز
حمله به دولت است و متأسفانه برای این امر
هم افراد موجه را با توجیهی نادرست به میدان

می فرستند
من دیدم کاشی را که با خشم و فریاد در این
باره بلند گویا را هم شرمه می کردند. دیدم
پلاکاردهایی که هدف را از استاندارد در برابر
دشمن به جبهه گرفتن در برابر این و آن
تقلیل داده اند. مانند گفته ها و نوشته ها شان
را بازخوانی نمی کنیم اما متولیان امر را به خوانش
وضعیت می خولم چه اگر تدبیری نیندیشند
آن تدبیر موفق و دشمن شکن خود به تولید
دشمنی در میان احاد مردم تبدیل خواهد شد.
اگر برای نقشه ها و نقش های سایه ها چاری
اندیشیده نشود در نخواهد بود که آفتاب شود
حسرت دور از دسترس ما، بزرگان پا به میدان
بگذارند و توجیه کنند اصحاب فرع شناسان را
آگاهشان کنند که وجود سایه خود رهین اوضاع

غلامرضا بنی اسدی